



نشستی با محمد ابراهیم محمدی
مدیر کل فرهنگی و هنری معاونت پرورشی و فرهنگی وزارت آموزش و پرورش

امیدواریم بازوی اجرایی مؤثری در اجرای طرح سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی باشیم



محمد دشتی

اشاره

تولید کتاب‌های آموزشی مفید و مناسب، براساس برنامه‌های درسی آموزش و پرورش، برای ایجاد شرایط یادگیری مؤثر و پایدار دانش‌آموزان کشور، از اهمیتی ویژه برخوردار است. از این رو در سال ۱۳۷۸، «سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی»، طرح سامان‌بخشی کتاب‌های آموزشی را تصویب کرد و در دستور کار «دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی» قرار داد. در ادامه و راستای توسعه این طرح، شورای عالی آموزش و پرورش در هشتصد و بیست و هشتمین جلسه خود به تاریخ ۱۳۸۹/۶/۲ «آیین‌نامه اجرایی سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی (مواد و رسانه‌ها) را تصویب کرد. براساس ماده ۷ این آیین‌نامه، مشارکت و همکاری معاونت‌ها، سازمان‌های وابسته به آموزش و پرورش و سایر دستگاه‌های فرهنگی و آموزشی کشور در اجرای این مصوبه الزامی است. در همین ارتباط و با توجه به

اینکه یکی از اعضای اصلی شورای سیاست‌گذاری آئین‌نامه اجرایی سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی (مواد و رسانه‌ها)، معاونت فرهنگی و پرورشی وزارت آموزش و پرورش است، با محمد ابراهیم محمدی، مدیر کل فرهنگی و هنری این معاونت گفت‌وگویی انجام داده‌ایم. مشروح این گفت‌وگو را با هم می‌خوانیم.

■ آقای محمدی، از موضوع کتاب‌های آموزشی و کمک‌آموزشی و سابقه ذهنی خودتان در خصوص این کتاب‌ها برای خوانندگان نشریه جوانه بگویید.

□ شاید بتوانیم بحث کتاب‌های کمک‌آموزشی و کمک‌درسی را به دو دوره تقسیم کنیم. دوره اولیه آنکه به شکل‌گیری آغازین این کتاب‌ها انجامید، بیشتر مربوط به تولید کتاب‌های حل‌المسائل و پاسخ‌نامه برمی‌گردد. در این دوره هدف بیشتر

فرصت! در صورت هدایت این بازار می‌توان با ارائه استانداردهای لازم و به کمک بخش خصوصی این کتاب‌ها را در مسیر و سیر درست خود قرار داد و اگر قرار است این کتاب‌ها تولید شوند، به نحو کیفی‌تر و مفیدتری تولید و منتشر شوند و تهدیدات حاصل از تولید آن‌ها به حداقل کاهش یابد.

در چنین وضعیتی نقش و جایگاه سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی از حساسیت و موقعیت خاصی برخوردار خواهد بود. در این میان دو موضوع روشن است: اول آنکه این وضعیت تعطیل بردار نیست، و دوم آنکه آموزش و پرورش قادر به تولید این کتاب‌ها نیست. پس تکلیف این کتاب‌ها روشن است، آموزش و پرورش باید به کمک بخش خصوصی و نظارت بر رعایت استانداردهای لازم مبتنی بر برنامه‌ریزی آموزشی و درسی، کتاب‌های مورد نیاز و تقاضای دانش‌آموزان را تهیه و ارائه کند. بخش خصوصی می‌تواند این متون را خیلی جدی‌تر و کیفی‌تر تولید کند و آموزش و پرورش هم می‌تواند با حمایت‌ها و نظارت بر کار ناشران، به آن‌ها کمک کند تا این بازار بزرگ دسترسی بیشتر و مستمری به آثار مناسب تأیید شده داشته باشد.

■ آیا گمان می‌کنید که هماهنگی و هم‌سویی لازم بین معاونت‌ها و سازمان‌های تابعه آموزش و پرورش وجود ندارد؟

□ علی‌رغم همه تلاش‌های ارزشمندی که انجام شده، گاهی اوقات نگاه‌های جزیره‌ای باعث آسیب‌هایی در این زمینه شده است و باید عرض کنم تا وقتی نگاه ما در معاونت‌های مختلف جزیره‌ای باشد، این مشکلات وجود خواهد داشت و کارها به نتیجه مطلوبی نخواهد رسید. بنده نه به‌عنوان یک مسئول، بلکه به‌عنوان کارشناسی که مسائل و مشکلات را از نزدیک لمس و مشاهده کرده است، عرض می‌کنم و معتقدم که این گسست همچنان بین ما وجود دارد. تا زمانی هم که گسست‌ها و فاصله‌ها از بین نرود، با صدور یک بخشنامه و نوشته‌ای که ابلاغ شود، مشکلات حل نخواهد شد.

فراموش نکنیم که همه فریادهای ما برای بحث تربیت است. فراموش نمی‌کنیم که رسالت حساس و شفاف و بنیادی سند تحول بنیادین، هم این است که مجموعه تشکیلات مدرسه از یک سیستم آموزشی صرف، به یک نهاد فرهنگی تبدیل شود. همچنین وزارت آموزش و پرورش از یک وزارت با مأموریت آموزشی به یک وزارت فرهنگی و اجتماعی تبدیل شود. حالا اگر در پایین دست‌ها گسست وجود داشته باشد، امکان چنین تحولی هم بعید به نظر می‌رسد.

■ گاه اقداماتی صورت می‌گیرند که به‌نوعی می‌توانند موازی‌کاری تلقی شوند. برای مثال، انتشار کتاب‌ها و منابعی که از جمله توسط «اداره کل فرهنگی و هنری معاونت فرهنگی

این بود که این کتاب‌ها مسائل را برای دانش‌آموز حل کنند. گرچه تولید این کتاب‌ها در پاسخ به یک نیاز بود، اما اثر منفی بر روند آموزش می‌گذاشت و در واقع باعث می‌شد، مخاطبان به یادگیری عمیق و درست دست نیابند. شاید دلیل موضوع هم این بود که آن زمان امکانات لازم برای تولید کتاب‌های مکمل که برطرف‌کننده نیازهای اساسی دانش‌آموزان باشد، وجود نداشت. شاید هم این افزون‌خواهی مثبت که در حال حاضر وجود دارد، هنوز به‌وجود نیامده بود و معلمان از توانایی‌های لازم و کافی که در حال حاضر حاصل شده است، برخوردار نبودند و به حداقل‌ها بسنده می‌کردند. البته همین کتاب‌ها هم در زمان خود رقیبی جدی برای معلمان به‌شمار می‌رفتند و از این باب انتقاداتی مطرح بود.

رفته‌رفته این سیر دچار تطور و دگرگونی شد. در واقع در این زمینه رقابتی شکل گرفت که در این میان کتاب‌های آموزشی و کمک‌آموزشی نسبتاً مناسب هم تولید شدند. برخی ناشران و تولیدکنندگان با داشتن دانش و آگاهی مناسب، می‌خواستند کتاب‌هایی تولید کنند که از حداقل استانداردهای لازم برای این‌گونه کتاب‌ها برخوردار باشند. این‌گونه بود که دوره دوم تولید و چاپ کتاب‌های آموزشی، کمک‌آموزشی و کمک‌درسی که شامل کتاب‌های مهارت‌آموزی و مکمل درسی بود، آغاز شد. وضعیتی هم که ما اکنون شاهد آن هستیم، ادامه همین دوره است و از تکرار زیادی هم برخوردار شده است. تکرار و گوناگونی به‌حدی است که در حال حاضر شما برای هر کتاب درسی نمونه‌ها و نسخه‌های متعددی را که توسط ناشران گوناگون به چاپ می‌رسند، مشاهده می‌کنید

■ اجرای طرح سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی چقدر ضرورت داشت؟

□ آموزش و پرورش با راه‌اندازی طرح سامان‌دهی مواد و رسانه‌های آموزشی و تربیتی نشان داد که در این حوزه به‌دنبال مدیریت است و نه تصدی‌گری این موضوع می‌تواند در درازمدت این بازار نابسامان را بسامان کند؛ ان‌شاءالله.

■ نگاه کلی شما به این بازاری که می‌گویید شکل گرفته است، چیست؟ آیا چنین وضعیتی تهدیدی برای این حوزه به‌شمار نمی‌رود؟

□ باید موضوع را به شکل جامع‌تری ببینیم. می‌توان گفت، اگر در دوره‌ای این کتاب‌ها برای دانش‌آموزان تهدید بودند، با نیازهایی که اکنون وجود دارند، این کتاب‌ها هم می‌توانند تهدید باشند و هم

آموزش و پرورش با راه‌اندازی طرح سامان‌دهی مواد و رسانه‌های آموزشی و تربیتی نشان داد که در این حوزه به‌دنبال مدیریت است و نه تصدی‌گری این موضوع می‌تواند در درازمدت این بازار نابسامان را بسامان کند



ماندگاری همه طرح‌ها و برنامه‌های ما منوط به این است که با برنامه‌درسی و منابع آموزشی رسمی وزارت آموزش و پرورش، یعنی کتاب‌ها، منابع و رسانه‌های آموزشی که عموماً هم توسط سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی تولید می‌شوند، گره بخورند

پایان هر سال ۵۷۰ میلیون نفر ساعت آموزش کتابخوانی خواهیم داشت که اصلاً کار کوچکی نیست.

چنین طرحی اگر موفق شود، قطعاً بساط کتاب‌های کمک‌آموزشی غیراستاندارد برچیده می‌شود و طرحی مانند سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی راه خود را پیدا می‌کند. قطعاً کتاب‌هایی که مورد تأیید دبیرخانه این طرح قرار می‌گیرند، و از طریق کتاب‌نامه‌های رشد معرفی می‌شوند، می‌تواند در چنین طرحی مورد استفاده بهینه قرار گیرد.

■ با این چشم‌انداز که در انتشار کتاب برای

دانش‌آموزان هماهنگی و هم‌سویی بیشتری بین سازمان‌ها و معاونت‌های تابعه وزارت آموزش و پرورش به وجود بیاید، آینده طرح سامان‌دهی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟
 □ به‌طور قطع و یقین اگر ما بتوانیم آینده را مدیریت کنیم،

و پرورشی» منتشر می‌شوند، مصداق این نوع اقدامات است. در این خصوص نظر شما چیست؟

□ شکی نیست که همه تولیدات در این زمینه باید در راستا و هم‌سو با طرح سامان‌دهی باشند. ما هم در دوره جدید تلاش کرده‌ایم که به این موضوع پای‌بند باشیم. مثلاً اخیراً طرحی با عنوان «بسته مطالعاتی» را آماده کرده‌ایم که در خصوص محتوای آن هم مشورت‌های لازم با سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی صورت گرفته است و ضمن بهره‌گیری از راهنمایی‌های کارشناسان محترم، تأیید این عزیزان را هم گرفته‌ایم.

منطق ما برای اجرای چنین طرحی این است که دانش‌آموز ما چهار فصل درس می‌خواند، پس باید هر دانش‌آموزی در هر فصل حداقل یک کتاب و در طول سال حداقل چهار کتاب مطالعه کند. البته ضمن آموزشی بودن کتاب، این کتاب‌های آموزشی دیگر نباید مانند کتاب درسی باشند، بلکه باید به دانش‌آموز جرئت اندیشیدن و پرسشگری بدهند و او را به مطالعه بیشتر علاقه‌مند کنند. حالا اگر ما در پایان سال ۱۰ نمره به کتابخوانی دانش‌آموز اختصاص دهیم و دانش‌آموزان از این طرح استقبال کنند، ما در

ما در سازمان کمتر به سمت ما می‌آیند. شاید به این دلیل که سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی از سابقه و قدمت بیشتری برخوردار است و ثبات مدیریتی هم در آنجا بیشتر بوده است. گاهی هم در کارهای مشترک، رفت‌وآمدها و جابه‌جایی‌ها باعث شده است که برخی کارها ابتر بمانند، به نتیجه نرسند و دوستان دلسرد شوند.

اما بنده شخصاً اعتقاد دارم که راهکار تنها در همکاری بیشتر و همراهی و هم‌فکری در کارهایی است که به اقدام و مشارکت همهٔ معاونت‌ها و سازمان‌های وزارت آموزش و پرورش نیاز دارند و قطعاً طرح سامان‌دهی مواد و رسانه‌های آموزشی و تربیتی مصداق چنین کار مشترکی است. همه باید برای اجرایی شدن آن دست‌به‌دست هم دهیم تا بتوانیم شرایط مدیریت و نظارت وزارت آموزش و پرورش بر بازار کتاب‌های آموزشی و کمک‌آموزشی را فراهم آوریم و یک نهاد آموزشی و تربیتی منسجم بتواند ضمن نظارت بر نهادهای بیرونی، خصوصی و مردمی، این بازار آشفته را سامان کند؛ ان‌شاءالله.

من اعتقاد دارم ماندگاری همهٔ طرح‌ها و برنامه‌های ما منوط به این است که با برنامهٔ درسی و منابع آموزشی رسمی وزارت آموزش و پرورش، یعنی کتاب‌ها، منابع و رسانه‌های آموزشی که عموماً هم توسط سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی تولید می‌شوند، گره بخورند.

در همین راستا هم تلاش ما این بوده است که همهٔ طرح‌ها و برنامه‌هایی را که به این پیوند و هم‌فکری نیازمند هستند، با دوستانمان در سازمان هماهنگ کنیم و از نظرات کارشناسی و سازمانی آن‌ها بهره ببریم. برخی طرح‌ها و برنامه‌ها هم بوده که قبلاً شروع شده و با تغییرات سازمانی به گونه‌ای به حاشیه رانده شده‌اند، که باز هم ما تلاش کرده‌ایم با شناسایی و مطالعهٔ لازم در صورت مفید و هم‌راستا بودن با اهداف کلی وزارت آموزش و پرورش این برنامه‌ها را هم پی بگیریم و به سرانجام برسانیم. با آنکه قیل از تولید نظر کارشناسی و حرفه‌ای دوستان را جویا می‌شویم، پس از تولید و قیل از استفاده، این طرح‌ها و حاصل آن‌ها را باز هم در اختیار همکاران می‌گذاریم و بعد از آن مورد استفاده قرار می‌دهیم.

با چنین نگاهی ما گمان می‌کنیم که می‌توانیم به‌عنوان یکی از بازوهای اجرایی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی در طرح‌هایی مانند طرح سامان‌بخشی مواد و رسانه‌های آموزشی و تربیتی همکار خوبی برای سازمان باشیم و در ضمن اهداف و مأموریت‌های خودمان را هم که وزارت آموزش و پرورش ما را ملزم به انجام آن‌ها کرده است، دنبال کنیم.

بازار نشر آموزشی و کمک‌آموزشی با سیاست‌ها و برنامه‌های طرح سامان‌دهی همراه خواهد شد. بدون تعارف، ما اکنون گاهی تحت تأثیر این بازار قرار می‌گیریم و به‌همین دلیل باید به سمت‌وسویی برویم که بتوانیم با معرفی و حمایت از تولیدات استاندارد و مقید، هدایت و کنترل کارشناسی این بازار را در دست بگیریم.

به‌نظر شما چه عاملی باعث می‌شود که کتاب سال ششم ما تولید نشده، بازار کتاب راهنمای آن را تولید کند؟ بدون شک به‌جز سودجویی و اقتصاد نهفته در این بازار، نیاز و استقبال مخاطب هم در چنین کاری مؤثر است. پس راهکار این است که همه با هم کمک کنیم تا کتاب مورد نیاز مخاطب ما در بازار بیرون تولید شود، اما تولیدکننده استانداردها و معیارهای تولید متون آموزشی و کمک‌آموزشی را رعایت کند. کما اینکه در چند سال گذشته، ولو در مورد بخشی از کتاب‌ها، این اتفاق افتاده است و شما هم این کتاب‌ها را در کتاب‌نامه‌های رشد معرفی کرده‌اید.

■ موضوع دیگر این است که شما در «انتشارات منادی تربیت» و یا در «طرح ۵۰ هزار مدرسه، ۵۰ هزار نمایشگاه»، به‌نوعی به انتشار و یا معرفی کتاب‌ها و آثاری مبادرت می‌کنید که لزوماً کتاب‌های استاندارد آموزشی و مورد تأیید طرح سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی نیستند. به‌نظر شما آیا این طرح‌های جدید

و متعدد ما را به سمت‌وسوی همان جزیره‌ای شدن بیشتر سوق نخواهند داد؟ آیا وجود چنین طرح و برنامه‌هایی اقدام موازی با فعالیت دیگر بخش‌هایی که انجام این کار را مستقیماً بر عهده دارند، نیست؟

□ عرض کردم که ما در بازنگری امور به این موضوعات توجه ویژه‌ای داشته‌ایم. اتفاقاً چه موضوع تولید بسته‌های آموزشی، چه بحث تولید فیلم‌نامه و نمایش‌نامه از متون درسی، و چه اجرای سرودهای کتاب‌های درسی، همه با سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی و «شورای عالی آموزش و پرورش» هماهنگ شده‌اند، و پس از گرفتن مراتب تأیید و تحسین آن مراکز نسبت به تولید این متون و مواد اقدام کرده‌ایم.

اگر من عرض کردم جزایر جداگانه به‌وجود آمده است، منظورم این بود که ما نیاییم در هر معاونت و یا سازمان متون و منابع خاص و موردنظر خودمان را تولید و مستندسازی کنیم و به استان‌ها بفرستیم و استان‌ها بمانند که با این منابع گوناگون چه کار کنند. البته باید به این موضوع هم اشاره کنم که دوستان

آموزش و پرورش باید به کمک بخش خصوصی و نظارت بر رعایت استانداردهای لازم مبتنی بر برنامه‌ریزی آموزشی و درسی، کتاب‌های مورد نیاز و تقاضای دانش‌آموزان را تهیه و ارائه کند